نازه‌های نشر

کتاب «دین و خودفرمانروایی انسان» منتشر شد

عبدالرحیم سلیمانی در کتاب «دین و خودفرمانروایی انسان» به نظرات و ایده‌های مختلفی در خصوص دین اشاره می‌کند و عقیده دارد خودفرمانروایی مساوی با پیروی از حق و به رسمیت شناختن انسانیت است. به گزارش خبرگزاری کتاب ایران (ایبنا)، کتاب در فصل‌های ابتدایی به نظرات لوئیس هاپ‌واکر، نویسنده غربی در باب دین و خودفرمانروایی می‌پردازد. این نویسنده در پاسخ به پرسش در خصوص ارتباط دین و آزادی و چالش‌های این مسیر، این‌طور پاسخ می‌گوید: «خودفرمانروایی بالاترین حق و ارزش برای انسان نیست و هدف‌داری و معناداری بالاتر و مهم‌تر از آن است». هاپ‌واکر با رائه چندین نمونه گزارش و آزمایش، نتیجه می‌گیرد امید به زندگی و آینده خوش، مهم‌تر از آزادی و خودفرمانروایی است. او همچنین دین و خودفرمانروایی انسان را ناسازگار با یکدیگر نمی‌بیند.

این نویسنده در بخشی از کتاب آورده است: «خودفرمانروایی مساوی با به رسمیت شناخته شدن انسانیت انسان است. به هر اندازه که به یک انسان اجازه داده نشود در آنچه متعلق به او است یا به او مربوط است دخالت کند و تصمیم بگیرد، دقیقاً به همان اندازه، انسانیت او به رسمیت شناخته نشده است».

کتاب به تاریخ آغاز دوره خودفرمانروایی در قرن چهاردهم و پانزدهم میلادی با نهضت رنسانس اشاره می‌کند. بر اساس نظرات ارائه شده در کتاب، شعار این دوره این بود که شخصیت انسان باید به رسمیت شناخته شود و او باید به عنوان یک شخص، خود درباره همه چیز خود تصمیم بگیرد. در قرون وسطا کسانی به نام دین، در همه جنبه‌های زندگی برای انسان تصمیم می‌گرفتند اما رفته رفته با آگاهی انسان و درک این حقیقت که او یک شخص است و قیم نمی‌خواهد، وضعیت تغییر کرد و قرون وسطا پایان یافت. موضوع دیگری که در کتاب به آن پرداخته می‌شود، فرمانروایی رهبران الهی بر انسان است. در این بخش از کتاب با اشاره به آیاتی از قرآن، پرسش مهمی مطرح می‌شود؛ با اینکه قرآن به تبعیت و پیروی از خدا و رسول دستور داده آیا این اطاعت و پیروی به معنای تعطیلی عقل و خرد و در نتیجه تن دادن به «دیگر فرمانروایی» است؟

سلیمانی، نویسنده کتاب، این‌طور درصدد پاسخ برمی‌آید: «از آیات متعددی از قرآن مجید برمی‌آید پیامبران این‌گونه اطاعتی را طلب نمی‌کرده‌اند، بلکه آنان از مردم می‌خواسته‌اند به سخن آنان گوش فرا دهند و اگر آن را مطابق حق یافتند، بپذیرند».

«قرآن مجید انسان‌ها را به خودفرمانروایی دعوت می‌کند و آنان را مؤاخذه می‌کند چرا فرامانروای خویشتن نیستند و چرا عقل و خرد خود را به کار نمی‌بندند». «خودفرمانروایی یعنی پیروی از عقل و خرد و عقل و خرد به روشنی می‌گوید باید از حقیقت پیروی و از باطل دوری کنی. هم خودفرمانروایی و هم خدافرمانروایی یعنی گردن نهادن به حق و حقیقت و بین این دو هیچ جدایی نیست».

کتاب «دین و خودفرمانروایی انسان» به عنوان درآمدی به مسئله دین و حقوق بشر، نوشته عبدالرحیم سلیمانی است که نشر دانشگاه مفید قم، آن را در ۴۴۲ صفحه منتشر کرده است.

تفسیر
آیت‌الله علم‌الهدی

بشارت‌های قرآن به وجود اقدس امام زمان(عج)

بخش بیست و پنجم

موضوع سخن در نوبت قبلی، ذکر خصوصیات و ویژگی‌های یاران امام زمان(عج) با عنایت به آیات ۱۵۵ و ۱۵۶ سوره مبارکه بقره بود. گذشت که صابران در موا جهه با امتحان‌های الهی، به ظهور امام زمان(عج) بشارت داده شده‌اند. بنابراین می‌توان گفت صابر بودن یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های یاران امام عصر(عج) است. در این میان بهترین مرجع برای فهم اینکه صابران چه کسانی هستند خود آیات شریف قرآن است. از جمله اشاره شده با عنایت به آیه ۱۵۶، صابران کسانی‌اند که خدا را در تمام عرصه‌های زندگی محور و اساس حرکت‌های خودشان می‌دانند.

اشاره کردیم با اینکه در بین ما چنین رایج شده که عبارت «إِنَّا لِلّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ»را در مقام مواجهه با خبر مرگ افراد استفاده می‌کنیم، اما در حقیقت این عبارت، شعار انسان‌هایی است که در عرصه حیات و زندگی، خدا را محور اساسی می‌دانند و به مدیریت تام و تمام جهان توسط پروردگار باور یافته‌اند از این رو در مواجهه با مصائب و گرفتاری‌های زندگی نیز این باور خود را با بیان این جمله بروز و ظهور می‌دهند. بنابراین از برجسته‌ترین خصوصیات امام زمان(عج) که در برخی دیگر از آیات مهدوی قبل هم بدان اشاره شد خدامحوری در زندگی است. از دیگر آیاتی که در آن به ویژگی‌های صابران اشاره شده آیه ۱۴۶ سوره آل عمران است که خدای متعال در صدر آن به معرفی یاران سلسله انبیاء به مثابه مربانی الهی پرداخته که همراه پیامبران جنگ کردند، هیچ گاه در برابر آنچه در راه خدا به آنان می‌رسید، سست و ناتوان نشدند و تن به تسلیم ندادند، آنگاه در ذیل آیه بیان کرده صابران محبوب ذات اقدس الله هستند: «وَ كَأَيِّنْ مِنْ نَبِيٍّ قاتَلَ مَعَهُ رِبِّيُّونَ كَثِيرٌ فَما وَهَنُوا لِما أَصابَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ ما ضَعُفُوا وَ مَا اسْتَكانُوا وَ اللَّهُ يُحِبُّ الصَّابِرِينَ».

از آنجا که در این صدر و ذیل آیه آمده می‌توان برداشت کرد صابران محبوب خدا سه خصوصیت دارند: یک. یاری خدا انبیا و پیام آوران پروردگار؛ دو. سست نشدن در مسیر حرکت در نتیجه مواجهه با سختی‌ها؛ سه. تسلیم نشدن در برابر دشمنان. بر اساس آنچه گذشت می‌توان گفت یاران امام زمان(عج) کسانی‌اند که در یاری مسیر انبیا(ع) که همان ترویج عبودیت و بندگی پروردگار است پیوسته در تلاش‌اند و رنج و سختی‌های این مسیر ایشان را سست نمی‌کند و هیچ‌گاه در برابر جبهه باطل سر تسلیم فرود نمی‌آورند.

نصایح

[امام صادق(ع) می‌فرمایند:] شیعیان ما را در سه مورد بیازمایید: وقت نماز، ببینید مواظبت بر وقت دارند یا نه؛ سربوشی، ببینید اسرارشان را در برابر دشمنان ما حفظ می‌کنند یا نه و در امور مالی، دقت کنید مالشان را با برادران خود در میان می‌نهند یا بخل می‌ورزند. (نصایح آیت‌الله مشکینی)

هر کس به خدا و روز قیامت ایمان دارد، باید میهمانش را گرامی دارد.

نیم نگاه

بی‌توجهی به واقعیت‌های اجتماعی در معماری درس‌های معارفی

رئیس مؤسسه مطالعات فرهنگی و اجتماعی گفت: باید واقعیت‌های اجتماعی در معماری درس‌های معارفی در نظر گرفته شود و نمی‌توانیم جدا از آنچه در کف جامعه می‌گذرد درس‌های معارفی را در اتاق‌های درب و داغان تدریس کنیم اما تا الان نمی‌دانیم این دروس را برای چه نیازهایی ارائه می‌دهیم. به گزارش خبرگزاری ایکنا، نشست «بررسی وضعیت دروس معارف اسلامی پس از حوادث اخیر» چهارشنبه ۳۰ آذرماه از سوی پژوهشگاه فرهنگ و معارف اسلامی برگزار شد. گزیده‌ای از سخنرانی حجت‌الاسلام والمسلمین رضا غلامی، رئیس مؤسسه مطالعات فرهنگی و اجتماعی در این نشست را می‌خوانید.

■ بی‌توفیقی نظام آموزش عالی در ایجاد خط معرفتی و پرورشی انقلاب اسلامی

سؤال مهم این است نظام آموزشی ما به عنوان متولی خط پرورشی و تربیتی در دانشگاه‌ها چقدر از عهده ایفای این نقش برآمده است؟ بنده معتقد نیستم این دروس معارفی تحت مدیریت نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها هستند بلکه تحت مدیریت نظام آموزشی هستند و این نظام نمی‌تواند به این دروس بی‌اعتنا باشد و بگوید مسئولیت این امر بر عهده نهاد رهبری است.

نظرسنجی‌های متعددی در طول سالیان گذشته انجام شده اما چه بر اساس نظرسنجی‌هایی که قبلاً دیده‌ام و چه بر اساس تجارب فردی که سال‌هاست در محیط دانشگاه تدریس می‌کنم، صورت دانشگاه به ما خواهد گفت نیازی به داشتن گروه درسی مستقل در کنار سایر گروه‌ها نیستید و باید زیر نظر معاونت فرهنگی باشید، اما این سخن درستی نیست چراکه می‌توان کار آموزشی را با پرورشی پیوند زد و نهاد رهبری هم باید از این منطق دفاع کند. ما باید منفعت جامعه و انقلاب را در نظر داشته باشیم نه اینکه فلان مدیر در وزارت قصد دارد با دروس معارفی چکار کند. نباید دروس معارفی را به‌گونه‌ای ارائه دهیم که از آن تلقی کار فرهنگی داشته باشند و تصور کنیم ممکن است آموزش عالی، ما را کنار بگذارد. درباره معماری درس‌های معارفی باید گفت واقعیت‌های اجتماعی باید در معماری این درس‌ها در نظر گرفته شود و نمی‌توانیم جدا از آنچه در کف جامعه می‌گذرد درس‌های معارفی را در اتاق‌های دربسته تنظیم کنیم اما تا الان نمی‌دانیم این درس‌ها را برای چه نیازهایی ارائه می‌دهیم. ضمن اینکه مخاطب دائم در حال تطور است و وضعیت ایستایی ندارد، بنابراین باید در معماری دروس تجدیدنظر کنیم چون بخش زیادی از بی‌ثمری‌ها ناشی از این معماری ضعیف است.

■ برخی استادان نه استعداد این کار را دارند و نه جذابیت

درباره استادان معارف اسلامی باید گفت به همه آن‌ها احترام می‌گذارم و چند سال هم افتخار تدریس در این عرصه را داشته‌ام، اما همان موقع هم برای بنده سؤال شده بود دوستان ما بر اساس چه شاخص‌هایی استادان معارف را گزینش و انتخاب می‌کنند. نفس اینکه فلان شخص، سطح چهار حوزه خوانده یا مدرک فوق‌لیسانس دارد و دارای سوءپیشینه نیست کفایت نمی‌کند، بلکه باید مواردی دیگر را در انتخاب و گزینش استادان در نظر بگیریم و توجه کنیم آیا این شخص از صلاحیت و استعداد کافی برای تدریس در محیط دانشگاه برخوردار است یا خیر؟

بنده مشاهده کرده‌ام برخی از آن‌ها اساساً استعداد کافی برای تدریس در دانشگاه ندارند. استاد باید جذابیت اخلاقی داشته، بتواند دانشجویان را جذب کند، انگیزه‌مند باشد و بداند استاد معارف و انقلاب اسلامی با سایر استادان فرق زیادی دارد و مسئولیتی ویژه بر عهده او است، بنابراین باید ارتباط وی با دانشجویان هم بیشتر شود اما در زمینه مهارت‌های ارتباط با دانشجویان هم آموزش کافی به استادان داده نشده است.

دیدگاه

حدود الهی تعطیل شود، احکام اسلام خاصیت خود را از دست می‌دهد

استاد دانشگاه شاهد گفت: پاسخ به مدعیان تعطیلی حدود در عصر غیبت این است که احکام قضایی اسلام و بسیاری دیگر از این دست امور، خاصیت خودشان را از دست می‌دهند و تنها مختص به برهه ۱۵ ساله‌ای می‌شود که مصوم حکومت را در اختیار دارد. هر جرمی با واکنشی روبه‌رو خواهد بود. در برهه‌ای که عده‌ای آسایش عمومی را برهم زدند و با جنایات خود، خون عده‌ای از حافظان مظلوم امنیت را ریختند، انتظار این است گروه قضاییه برخورد درخوری با این افراد داشته باشد، اما جدا از جریان رسانه‌ای غرب، عده‌ای در لباس اسلام به شکل دیگری در پی ناصحیح جلوه دادن برخورد قضایی با آشوبگران هستند. در این روزها برخی افراد در پوشش فقه و اسلام، اجرای حدود را در عصر غیبت تعطیل معرفی می‌کنند و مدعی‌اند این کار جمهوری اسلامی خلاف دین و حقوق بشر، نوشته عبدالرحیم سلیمانی است که نشر دانشگاه مفید قم، آن را در ۴۴۲ صفحه منتشر کرده است.

■ **شهرت نظر با کدام دسته است؟**

این اختلاف نظرها تا عصر حاضر هم ادامه داشت، به طور مثال مرحوم آیت‌الله خوانساری و آیت‌الله صانعی جزو کسانی بودند که اجرای حدود در عصر غیبت را تعطیل می‌دانستند.

البته آیت‌الله صانعی معتقد بود گرچه اجرای حدود در عصر غیبت تعطیل است اما باید با توجه به علم جرم‌شناسی خودمان برای جرایم، مجازات‌های تعزیری وضع کنیم. در طرف دیگر، شاخصی مثل امام خمینی و آیت‌الله خویی از بزرگان حوزه بودند که جریان اجرای حدود در عصر غیبت را پذیرفته بودند. انصاف قضیه این است که با وجود این اختلاف‌نظرها درباره اجرای حدود، شهرت نظر در جریان داشتن آن در عصر غیبت است. به عبارت دقیق‌تر شهرت عظیمه بر این است که اجرای حدود یا به وسیله امام معصوم اجازه است یا به وسیله کسی که از امام معصوم اجازه دارد که در عصر غیبت یا توجه به ادله روایی فقها مأذون از طرف امام هستند.

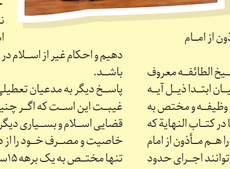

■ **آیا نقد احکام صادره از سوی دادگاه انقلاب به بهانه تعطیلی حدود در عصر غیبت صحیح و موجه است؟**

در ابتدای امر باید عرض کنم ما باید بین دو امر تفکیک قائل شویم؛ اگر قرار است عملکرد قوه قضائیه را در باب صدور احکام ارزیابی کنیم و بسنجیم ورود به مباحث فقهی انحراف از بحث است چراکه دادگاه بر اساس قانون موضوعه رأی صادر می‌کند نه بر اساس مسائل فقهی و جایگاه این دست امور مربوط به پیش از وضع قانون است. به عبارت دیگر، ما در این ارزیابی به موضوعات مبنایی کاری نداریم و مواد قانونی را مورد بررسی قرار می‌دهیم و اینکه بگوییم حد تعطیل می‌شود و فلان رأی صادره باطل است، انحراف از بحث است؛ چراکه انجام بحث‌های در مورد مبانی قوانین -که فقه باشد- در باب ارزیابی آرا مدخلیت ندارد!

■ **اما گاهی قارچ از موضوعات قانونی قصد داریم در مورد مبنا صحبت و مسائل فقهی را تحلیل و بررسی کنیم؛ باز باید گفت صحبت از تعطیلی حدود در عصر غیبت در مورد احکام صادره مثل حد محاربه اشتباه و غلط است، چون در قانون ما اجرای حدود پذیرفته شده است.**

در مورد اجرای حدود در عصر غیبت و یا تعطیلی آن نظرات مختلفی در بین فقها وجود دارد. شیخ مفید از کسانی است که معتقد است حدود در عصر غیبت تعطیل نمی‌شود و فقیه برای اجرای حدود در عصر غیبت ولی‌عصر(عج) مأذون از امام است.

شیخ طوسی نیز که به شیخ الطائفه معروف است در کتاب تفسیر تبیان ابتدا ذیل آیه محاربه اجرای حد را تنها وظیفه و مختص به امام معصوم می‌داند اما در کتاب النهایه که کتاب فقهی است فقها را هم مأذون از امام می‌داند و معتقد است می‌توانند اجرای حدود کنند.

به نظر می‌رسد با توجه به اینکه شیخ طوسی در آثار فقهی خود معتقد است اجرای حدود در عصر غیبت تعطیل نمی‌شوند نظر اصلی در این میان چه کسی جناحی و جریانی فکر نکرد؟ رهبر کو شهید سلیمانی است. رهبری در مورد ایشان در قسمت دیگری می‌فرمایند او به شدت انقلابی بود. در همین رابطه نیز انقلابی بودن به معنی واقعی و جامع کلمه، رهبری هستند که باز در نسبتی که شهید با ایشان دارند به این رنگ و بو می‌رسد.

تمام ویژگی‌هایی که رهبر انقلاب برای سردار سلیمانی برمی‌شمارند خصوصیاتی است که در خود رهبری به شکل بارز و جامعی وجود دارد. می‌گفتند پیامبر(ص) هنگامی‌که در جایی حرکت می‌کردند سلمان فارسی پایش را جای پای او می‌گذاشت. اگر کسی این جای پا را می‌دید می‌گفتند در این مسیر یک نفر راه رفته نه دو نفر! یعنی دوییت، کثرت و غیریت در این میان از بین می‌رود و وحدت و سنخیت جای آن را می‌گیرد. طوری می‌شود که رهبری هنوز که هنوز است تا سم سردار سلیمانی را می‌برند گویی می‌خواهند اشک بریزند. شهید سلیمانی را می‌بینیم که هم پیروز شد و هم به شهادت رسید. رهبر انقلاب در مورد شهید می‌گویند: «من یاد شهید سلیمانی عزیزمان را هرگز فراموش نمی‌کنم». این کلمات، عبارات و ادبیات حساب شده است. سال ۱۳۸۴ رهبری در مورد شهید می‌گویند: «حاج قاسم از آن‌هایی است که شفاعت می‌کند».

■ **برکات وجودی شهید سلیمانی فرازمانی است**

حجت‌الاسلام والمسلمین درودگر در زمینه عمق نسبت و پیوند وجودی میان شهید و رهبری گفت: هر انسانی در خط صعود و سقوط است. چطور می‌شود یک رهبری چند سال پیش از شهادت یک فرد در مورد او چنین می‌گوید. این چه نسبت خاصی است که میان شهید و ولی جامعه برقرار است. یعنی رهبری نمی‌ترسند ممکن است اتفاقی پیش بیاید یا نمی‌ترسند آدمی ممکن است دچار خبط، خطا، انحراف یا سقوط شود.

معنویت سردار سلیمانی بود که شهادت ایشان را این‌گونه برجسته کرد. «اَلبَلَدُ الطَّیِّب» کلمه طیب می‌سازد و کلمه طیب همان اعتقادات، بینش‌ها و نگرش‌هاست. کلمه طیب و عقیده پاک با عمل صالح رابطه دارد. در حال حاضر برکات وجودی شهید سلیمانی فرازمانی است، یعنی این وجود هر جا باشد مبارک است و ثمره دارد. دلیل این برکت وجودی هم به اعتقاد صائب، اخلاق صادق و اعمال صالح برمی‌گردد که رابطه‌اش را از مقلد و مقلدی به امت و امامی و پس از آن به مرید و مرادی ارتقای وجودی داده است.

در این میان چه کسی جناحی و جریانی فکر نکرد؟ رهبر کو شهید سلیمانی است. رهبری در مورد ایشان در قسمت دیگری می‌فرمایند او به شدت انقلابی بود. در همین رابطه نیز انقلابی بودن به معنی واقعی و جامع کلمه، رهبری هستند که باز در نسبتی که شهید با ایشان دارند به این رنگ و بو می‌رسد.

تمام ویژگی‌هایی که رهبر انقلاب برای سردار سلیمانی برمی‌شمارند خصوصیاتی است که در خود رهبری به شکل بارز و جامعی وجود دارد. می‌گفتند پیامبر(ص) هنگامی‌که در جایی حرکت می‌کردند سلمان فارسی پایش را جای پای او می‌گذاشت. اگر کسی این جای پا را می‌دید می‌گفتند در این مسیر یک نفر راه رفته نه دو نفر! یعنی دوییت، کثرت و غیریت در این میان از بین می‌رود و وحدت و سنخیت جای آن را می‌گیرد. طوری می‌شود که رهبری هنوز که هنوز است تا سم سردار سلیمانی را می‌برند گویی می‌خواهند اشک بریزند. شهید سلیمانی را می‌بینیم که هم پیروز شد و هم به شهادت رسید. رهبر انقلاب در مورد شهید می‌گویند: «من یاد شهید سلیمانی عزیزمان را هرگز فراموش نمی‌کنم». این کلمات، عبارات و ادبیات حساب شده است. سال ۱۳۸۴ رهبری در مورد شهید می‌گویند: «حاج قاسم از آن‌هایی است که شفاعت می‌کند».

■ **برکات وجودی شهید سلیمانی فرازمانی است**

حجت‌الاسلام والمسلمین درودگر در زمینه عمق نسبت و پیوند وجودی میان شهید و رهبری گفت: هر انسانی در خط صعود و سقوط است. چطور می‌شود یک رهبری چند سال پیش از شهادت یک فرد در مورد او چنین می‌گوید. این چه نسبت خاصی است که میان شهید و ولی جامعه برقرار است. یعنی رهبری نمی‌ترسند ممکن است اتفاقی پیش بیاید یا نمی‌ترسند آدمی ممکن است دچار خبط، خطا، انحراف یا سقوط شود.

معنویت سردار سلیمانی بود که شهادت ایشان را این‌گونه برجسته کرد. «اَلبَلَدُ الطَّیِّب» کلمه طیب می‌سازد و کلمه طیب همان اعتقادات، بینش‌ها و نگرش‌هاست. کلمه طیب و عقیده پاک با عمل صالح رابطه دارد. در حال حاضر برکات وجودی شهید سلیمانی فرازمانی است، یعنی این وجود هر جا باشد مبارک است و ثمره دارد. دلیل این برکت وجودی هم به اعتقاد صائب، اخلاق صادق و اعمال صالح برمی‌گردد که رابطه‌اش را از مقلد و مقلدی به امت و امامی و پس از آن به مرید و مرادی ارتقای وجودی داده است.

عقل سرخ

با صدقه و صله رحم گناهان خود را پاک و خود را محبوب پروردگارتان کنید.

در جهان امروز سخن گفتن از انبیا و غایات الهی آفرینش بسیار غریب می‌نماید. شیطان زده‌ها می‌گویند این سخنان اساطیر پیشینیان است، ولکن ما برای معرفی خود راهی جز این نداریم که از پیوند و اتحاد نهضت خویش با راه انبیا و اوتاران آن‌ها سخن بگوییم. راه ما راه سید الشهداست و آنانی که پای یقین در این راه نهاده‌اند آرزوی سر باختن دارند تا به ذبح الله اعظم از همه نزدیک‌تر شوند.
(از گفتار متن فیلم‌های روایت فتح)

در دشت، حیات اجتماعی و سیاسی سردار شهید سلیمانی در نسبت با ولایت و رهبری بررسی شد

بالاتر از مقلِد، فراتر از سرباز

رابطه‌ای که میان شهید سلیمانی و رهبر معظم انقلاب وجود داشت نسبتی فراتر از یک سرباز، پیرو، مقلد و رهرو است. این رابطه فراتر در قالب همین اصطلاح مریدی و مرادی قابلیت تعریف دارد. رهبری آیت‌الله خامنه‌ای تقدیری بوده تا بتوانند به حفظ مفاهیم آیات نیز سوق دهد که با امام جامعه خود دارد به شکلی است که روز به روز رنگ رهبری خودش را می‌گیرد و شبیه او می‌شود. این شباهت در رفتار، گفتار، منش و روش هویداست. برای مثال وقتی نسبت سلمان فارسی با حضرت رسول اکرم(ص) را در نظر می‌گیریم یا زمانی که نسبت میثم تمار با امیرالمؤمنین(ع) را می‌سنجیم به جنس و قرابتی چنین می‌رسیم. وقتی این قرابت شکل می‌گیرد فرد می‌خواهد مدام خودش را مثل محبوب کند.

بنابراین رهبر انقلاب خودشان در مورد شهید سلیمانی تصریح می‌کنند این شهید هیچ موقع جناحی و جریانی فکر نکرد. چه کسی جناحی و جریانی فکر نمی‌کند؟ رهبر انقلاب چنین است و وارد تحول کنشی و روشی می‌شود. در این نقطه، تمام کنشگری‌های سیاسی، اجتماعی و جهادی ایشان در عرصه‌های مختلف با مسئله امامت و ولایت تعریف و تنظیم و در نهایت تحقق پیدا می‌کند. این تحول در مقام رفتار و عمل است. شهید سلیمانی به‌تدریج از دوره دوم به دوره سوم ارتقای وجودی پیدا کرد. دوره سوم در نسبت پا شده، دوره مرید و مرادی است. این اصطلاح مرید و مرادی یک تعبیر سلوکی و عرفانی است. اگر این رابطه، صادقانه شکل بگیرد فرد را به شکل خاصی از نظر شخصیتی رفعت وجودی می‌دهد.

■ **رابطه مرید و مراد**

در ادامه این نشست دکتر محمدجواد رودگر اضافه کرد: رابطه‌ای که میان شهید سلیمانی و رهبر معظم انقلاب وجود داشت نسبتی فراتر از یک سرباز، پیرو، مقلد و رهرو است. این رابطه فراتر در قالب همین اصطلاح مریدی و مرادی قابلیت تعریف دارد. رهبری آیت‌الله خامنه‌ای تقدیری بوده است نه تدبیری. نگاهی که سردار سلیمانی به رهبری دارد در همین راستاست، یعنی زاویه دید شهید نسبت به مقوله ولایت رهبری خاص است و این نوع نگاه گرایش‌ها و نسبت‌های وجودی ایشان را تغییر می‌دهد. این یک امر بدیهی است که وقتی گرایش‌ها و منش‌های ما تغییر کند آن کنشگری‌ها و روش‌هایی هم که در پیش می‌گیریم کاملاً تغییر می‌کند.

دانشیار گروه عرفان پژوهشکده حکمت و دین‌پژوهی افزود: معرفت دیگر علم و آگاهی‌های ذهنی، درسی، کتابی و مدرسه‌ای نیست بلکه از آن بالاتر است، معرفتی که شهید سلیمانی درباره ولایت و رهبری پیدا کرد رنگ تبعیت و اطاعت از رهبری می‌کند. این اواخر رابطه سردار با رهبری همان‌طور که برخی تصاویر هم نشان می‌دهد، گویی رابطه عاشق و معشوق و محب و محبوب است. رابطه‌ای رنگ حب به خود بگیرد تبعیت رایحه خاص دیگری پیدا می‌کند؛ این تبعیت دیگر بوی یک فرد در مورد او چنین می‌گوید. این چه نسبت خاصی است که میان شهید و ولی جامعه برقرار است. یعنی رهبری نمی‌ترسند ممکن است اتفاقی پیش بیاید یا نمی‌ترسند آدمی ممکن است دچار خبط، خطا، انحراف یا سقوط شود.

معنویت سردار سلیمانی بود که شهادت ایشان را این‌گونه برجسته کرد. «اَلبَلَدُ الطَّیِّب» کلمه طیب می‌سازد و کلمه طیب همان اعتقادات، بینش‌ها و نگرش‌هاست. کلمه طیب و عقیده پاک با عمل صالح رابطه دارد. در حال حاضر برکات وجودی شهید سلیمانی فرازمانی است، یعنی این وجود هر جا باشد مبارک است و ثمره دارد. دلیل این برکت وجودی هم به اعتقاد صائب، اخلاق صادق و اعمال صالح برمی‌گردد که رابطه‌اش را از مقلد و مقلدی به امت و امامی و پس از آن به مرید و مرادی ارتقای وجودی داده است.

سلیمانی شکل گرفت. در این مرحله، رابطه ایشان با امام(ره) از نسبت مقلد و مقلدی به رابطه امت و امامی ارتقا پیدا می‌کند. در این مرحله، شهید سلیمانی می‌گوید من ولی فقیه را امتداد عنصر نبوت و امامت می‌دیدم. در این مرحله نگاه شهید به امام جامعه دیگر یک نگاه صرف فقهی نیست بلکه نگاهی کلامی است. یعنی ولایت فقیه تنها از منظر فقه مصطلح دیده نمی‌شود. بینش‌ها و نگرش‌های شهید روز به روز تحول پیدا می‌کرد، آن هم تحول تکاملی. درواقع در تحول تکاملی شهید خط واحدی وجود دارد.

در این سیر و در ادامه این تحول تکاملی، سردار سلیمانی‌ها سنت پژوهشگران حوزه یادگیری تلاش‌های زیادی برای فرایند تسهیل یادگیری انجام داده‌اند و در همین راستا به نتایج و دستاوردهای خوب و قابل تأملی رسیده‌اند که قابلیت استفاده در بیشتر محتواها ازجمله حفظ قرآن را دارد. حال این شیوه‌ها با توجه به افزایش استفاده جامعه از گوشی‌های هوشمند و فضای وب، خود را هماهنگ کرده و در قالب‌های مختلف و متفاوت ازجمله نرم‌افزارهای تلفن همراه به مخاطبان و علاقه‌مندان به یادگیری قرآن و آموزه‌های آن خدمات ارائه می‌دهند. به گزارش ایکنا، نرم‌افزار قرآنی «منهاج» یکی از همین نرم‌افزارهای تلفن همراه است که با استفاده از تکنیک‌های یادگیری و اصول مطالعه طرحی نو از یادگیری معانی قرآنی را به صورت نرم‌افزاری جالب ارائه داده است. در این نرم‌افزار با استفاده از مرور و تکرارهای اصولی مفاهیم کلمات قرآن سعی شده مفاهیم به حافظه بلندمدت منتقل شود. نرم‌افزار منهاج کاربر را در هنگام فراگیری مفاهیم کلمات قرآن به حفظ مفاهیم آیات نیز سوق داده که نتیجه آن، آموزش کامل ترجمه و مفاهیم قرآن است.

قرآن کتاب کوتاهی نیست و یقیناً نمی‌توان به شیوه یک کتاب درسی، آن را حفظ کرد و از آنجایی که درک مفاهیم قرآن گامی بلند برای حفظ آیات قرآن است، در این نرم‌افزار بخشی را برای این منظور در نظر گرفته‌اند که کاربر می‌تواند با استفاده از امکانات ایجاد شده به حفظ آیات از طریق درک مفاهیم بپردازد.

بنابراین سازندگان منهاج برای تسهیل این کار یک دیگر از روش‌های رایج حافظان قرآن در نرم‌افزار پیاده‌سازی کرده‌اند و آن هم چیزی نیست جز نمایش ارتباط آیات با هم. منهاج برای یاری حافظان قرآن امکانات آموزشی را هم در دستور کار قرار داده است.

یکی از اصول مهم حفظ قرآن، تکرار مداوم آیات و یادگیری مفاهیم با ریشه کلمات است که این نرم‌افزار برای این منظور با بهره‌گیری از لغت‌قرآنی را به همراه ترجمه و ریشه سه حرفی عربی به حافظان آموزش می‌دهد. این قابلیت سبب شده کاربر از مراجعه به نرم‌افزارهای رایانه‌ای و کتاب‌های مرجع در حوزه قرآن بی‌نیاز شود. منهاج این امکان را به کاربر می‌دهد که ۱۸ هزار مورد از معنای کلمات قرآن را به روش جمعه‌ای و در کمترین زمان ممکن فرا گیرد.

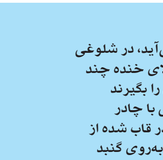

بازتاب

«منهاج»؛ راهی به سوی فهم قرآن

عکس نوشت

السلام علیک ...

عکس: سارا یوسفی

رضا پیراسته | صدای مناجات می‌آید، در شلوغی صحن می‌پیچد و گم می‌شود لابه‌لای خنده چند دختر بچه که می‌خواهند کبوتری را بگیرند که آمده روی فرش نشسته. خانمی با چادر رنگی، با صورتی که با گل‌های چادر قاب شده از ایوان بزرگ صحن رد می‌شود و روبه‌روی گنبد می‌ایستد.
چشم می‌دوزد به گنبد و ناگهان گرمای وجودش تا زیر پلک‌هایش بالا می‌آید. تصویر شفاف گنبد با آن تلألو طلایی‌رنگش حالا موج برداشته و محو و مبهم شده است.
پلک که می‌زند، گرمای سوزانی را حس می‌کند که روی گونه‌های سردش سر می‌خورد.
سر خم می‌کند و با شوقی سرشار، زیر لب می‌گوید:
السلام علیک یا علی‌بن موسی‌الرضا(ع).